مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

طلا پامیر ۲۰۲۶/۱۱/۰۳

گاهی باید از دشمن خود نیز آموخت.

بیان اخیر سخنگوی اردو " فوج" رژیم نظامی پاکستان در مورد این که" افغانستان دولت نیست" واکنش تند افغانها را بر انگیخت و این کاملا طبیعی است.
پاکستان که از عمر آن ۸۰ سال نمی شود وخاک کنونی آن و فراتر از آن زمانی بخش از قلمرو دولت مقتدر افغانستان بود؛ پاکستانی که یک صنف از راکتهای اتمی خویش را " ابدالی" نامگذاری کرده که بیانگر قدرت وعظمت امپراتوری ابدالیان – اولین دولت ملی و مستقل افغانها در منطقه است، چطور بخود حق می دهد که دولت بودن افغانستان را زیر سوال ببرد؟
شک نیست که پاکستان کشور متخاصم با افغانستان است و از یک کشور متخاصم نباید انتظار حسن نظر و حسن نیت درمورد افغانستان داشت اما، بخش دیگر بیان سخنگوی اردوی پاکستان که : " افغانستان توسط یک گروه غیر دولتی اداره می شود "قابل تامل است .
بیایید یکبار به گفت مردم ، سر خود را در گریبان خود بیاندازیم و ببینیم که. آیا این بخش از بیان سخنگوی اردوی پاکستان که " افغانستان توسط یک گروه غیر دولتی اداره می شود، کاملا نادرست است؟
ازدید من، نه. در اظهارات موصوف شمهٔ ازحقیقت نیزوجود دارد که اگر نه همه حقیقت.
رژیم نظامی پاکستان به مثابه دشمن افغانستان این ضعف افغانستان را به خوبی می بیند و آز آن بهره می برد.
من در چند یادداشت پیشین این برگه گفته ام که تحریک طالبان افغانستان در گذار از یک گروه جنگی به یک نیروی مسئول دولتی و نیز گذار از فکر گروهی به فکر دولتی و ستراتیژیک مشکل دارد .
اگر چنین نبود، چگونه ممکن است که یک نیروی حاکم دولتی نصف نفوس کشور را از حق تعلیم در مدارج عالی و کار در ادارات دولتی محروم کند؟ معارف عمومی و اشتغال به شمول معارف و اشتغال زنان از اولویت های حکومت در هر کشور است.
چگونه ممکن است که یک نیروهای حاکم دولتی در طول ۵ سال حاکمیت خود بر یک کشور کم از کم اساسات نظام و دولتداری خویش را در چهارچوب یک قانون تدوین و تصویب نکند؛ خط مشی – سیاست داخلی وخارجی مکتوب نداشته باشد تا مردم افغانستان وجهان بدانند که گروه حاکم چه میخواهد. این که گفته میشود " ما شریعت را در افغانستان تطبیق می کنیم "پاسخگوی هیچ پرسش مربوط به روابط کسترده و پیچیدهٔ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی جامعه معاصر و روابط بین المللی در قرن ۲۱ نیست.
اگر تحریک طالبان افغانستان اکنون امارت اسلامی با گذار از یک گروه جنگی به یک نیروی مسئول دولتی و گذار از فکر گروهی به فکر دولتی مشکل نداشت چگونه ممکن است که یک نیروی مسئول دولتی در چهارچوب منشور سازمان ملل متحد و تعهدات بین المللی افغانستان وارد تعامل با جامعه بین المللی نشود ونیاز فوری به بیرون رفت افغانستان از انزوا، رفع تحریم ها علیه افغانستان، رفع تحریم ها و تعزیرات علیه رهبران خود " امارت اسلامی" هیچ اقدام مناسب نکند؟
امروز به دلیل تحریم ها و تعزیرات بالای رهبران امارت اسلامی، چوکی و ستیج افغانستان در سازمان ملل متحد، در کنفرانس های منطقه یی و کشور های همسایه خالی است وتوسط نمایندگان پاکستان و روایت های ضد افغانستان پُر می شود.
حاکمیت دولتی کشور ها دو بعد دارد؛ بعد داخلی و بعد خارجی. در بعد داخلی افغانستان در اتخاذ تصامیم دولتی مستقل است. این یک انکشاف قابل ملاحظه و ستودنی است اما ، حاکمیت دولتی افغانستان در بعد خارجی به شدت محدود شده. افغانستان به نحوی زیر قیوومیت جامعه بین المللی (سازمان ملل متحد) قرار دارد و یونما میکانیزم این قیوومیت است. حکومت افغانستان در بحث ها وتصامیم جامعه بین المللی در سطح سازمان ملل، در سطح منطقه و

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

کشورهای همسایه حضور ندارد. بحث ها و تصامیم در مورد افغانستان در غیاب افغانستان صورت می گیرند. رهبران حکومت بالفعل افغانستان " امارت اسلامی" برای سفر به بیرون از کشور نیاز به مجوز سازمان ملل متحد دارند این در حالی است که رهبران و مقامات هیچ کشور مستقل ودارای حاکمیت از نظر حقوق بین المللی نیاز به اجازه سازمان ملل متحد در تعامل باکشورهای دیکر را ندارند.
این وضعیت را پاکستان بر سر افغانستان نیاورده است بل پاکستان از وضعیت که حکومت بالفعل افغانستان خود ایجاد کرده، علیه افغانستان و نیز علیه " امارت اسلامی" استفاده می کند .
در اینحاست که ضربالمثل لاتین که : از دشمن هم می توان آموخت ویا آموختن از دشمن خود هم خوب است "Fas est et ab hoste doceri " معنی مییابد.
چرا از دشمن هم میتوان آموخت؟ زیرا دشمن همیشه بر نا رسایی ها، اشتباهات و ضعف های طرف مقابل خود تمرکز می کند ، زیر نظر دارد و در فرصت مناسب از آن برای غلیه بر دشمن خود استفاده می کند.
پاکستان در طول تاریخ موجودیت خود وبه ویژه در نیم قرن اخیر از ضعف های افغانستان استفاده اعظمی کرده است. اگر اشتباهات و ضعف های رهبری افغانستان در نیم قرن اخیر نبود، پاکستان هر گز نمی توانست به افغانستان صدمه بزند.
رهبری دولتی افغانستان در ۵۰ سال اخیر زمینه ساز مداخله و تجاوز برحاکمیت افغانستان و انزوای افغانستان در سطح بین المللی بوده است. در نتیجه خشونت انقلابی در اواخر سالهای ۱۹۷۰ نزدیک به یک ثلث نفوس افغانستان مجبور به فرار از کشور و جستجوی پناهگاه در پاکستان و ایران شد. این فاجعه در سالهای بعد نیز ادامه یافتَ.
پاکستان با استفاده از فرصت و جلب حمایت غرب جنگ تمام عیار اما اعلان نشده علیه افغانستان و بدست خود افغانها را زیر نام " جهاد "به راه انداخت ؛ افغانستان از یک فاکتور وشریک متساوی الحقوق در روابط بین المللی به موضوع " مسئله" در روابط بین المللی تبدیل شد. غرب و اکثر کشورهای جهان به حل این مسئله از عینک پاکستان می نگریستند. تبعات این وضعیت برای همه روشن است.
پاکستان در سیه روزی افغانستان و افغانها تا آنجا ملامت است که از وضعیت به مثابه یک فرصت استفاده بد کرده است اما گناه سیه روزی افغانستان و افغانها اساسا برگردن زمامداران و گروه های سیاسی افغانستان ، رهبری ومدریت بد آنان در کشور است.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولـئ